**بسم ربّ الإمام المنصور**

کی رفته ای ز دل که تمنّا کنم تو را ؟ / کی بوده ای نهفته ، که پیدا کنم تو را ؟ / "غیبت" نکرده ای که شوم طالب "حضور" / پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را / با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را ...

**"دستش را بر سرش گذاشته  بود، خستگي و افكار پريشان تنها چيزهايي بود كه در توصيف چهره اش مي توان گفت.**

**"دق الباب كرد، از پشت در صداي سلامي آمد كه صدا با اسم او را به دورن مي خواند. وارد شد سلام گفت و گوشه اي نشست.**

**- چرا آنجا نشسته اي ؟**

**سرش را بالا گرفت و نگاه كرد، نگاهش به نگاه مهرباني افتاد كه با لحن "چرا آنجا نشسته اي؟ " همگون بود. لبخند زد و گفت دوست دارم نزديك تر بيايم، از آن چهره مهربان شنيد خب زودتر منتظريم.**

**آمد زانو به زانوي چهره مهربان نشست و گفت مي توانم براي شما كاري كنم كه بدان شاد شويد و به شادي شما خدا شاد شود؟ گفت آري! ما را بيشتر ياد كن، گشايش امر ما را از خدا بخواه. به گاه نياز و بي نيازي ما را در نظر آر و آنطور باش که ما دوست داریم. ما از ياد شما و اصلاح امور شما غافل نيستيم شما هم از ياد ما و تلاش براي امر ما غافل نباشيد.**

**ما منشاء همه زيبايي ها هستيم چون ما را ياد مي كنيد در حجم زيبايي ها و نعمات واقع مي شويد و مفاهيم زيبا به شما هجوم مي آورند و زشتي ها از شما دور مي شود. ياد ما عبادت است، نگاه به ما عبادت است و خدا اينطور قرار داده است."**

چهره اش شكفته بود شايد در خانه مولا نشستن و گپي گفتن آرزويي دور باشد ولي اين آرزو مي تواند خاطره هر روز ما باشد اگر در ياد مولا باشيم.

این روزها ، بوی غربت می دهد.

به قول عزیزی :

"مادر دو بخش دارد و ما هر چه می کشیم از بخش دوم است."

گفتیم که حضرت زهرا سلام الله علیها با همه ی جان و سرمایه ی خویش از امام زمان خودشان دفاع کردند.

در عجبیم از کسانی که می پندارند که حتی گریه ی حضرت سلام الله علیها نیز حکمتی جز دفاع از امام زمان خودشان داشت.

سرّ من از ناله ی من دور نیست

لیک چشم و گوش را آن نور نیست

باید بگوییم :

حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از رحلت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم گریه میکنند ! گریه حضرت زهرا سلام الله علیها برای از دست دادن پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم نیست بلکه برای اگاهی مردم است حضرت گریه میکردند و در لابلای گریه از غاصبین شکایت میکردند به پدرشان .این شکایتها را زنان میشنیدند و واین شکایتها ودرد دل حضرت زهرا سلام الله علیها توسط زنان به گوش مردان و بعد به کوچه خیابان میامد ! .گفتند زهرا سلام الله علیها نباید گریه کند حضرت رفت بقیع  زنها دوباره رفتند بقیع و حرف حضرت زهرا سلام الله علیها را میشنیدند و دوباره این موج به مردم شهر میرسید و مردم فهمیدند که اشتباه کردند و برگشتند طرف اقا امیرالمومنین علیه السلام .

پیغام فرستادند برای حضرت زهرا سلام الله علیها که : علی خانه تو را مرکز مخالفت با حکومت قرار داده و به علی بگو تعطیل کند .حضرت فرمودند خانه ؛خانه علی است .در نتیجه امدند پشت در خانه و در خانه را به اتش کشیدند واتفاقاتی که رخ داد که نباید رخ می داد...

عاقبت حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها با تمام سرمایه و جانشان از ولایت و امام زمانشان دفاع کردند و با هیچ ظالمی بیعت نکردند .

اگر آن روزها امیرالمومنین علیه السلام را غربت و درد و تنهایی فرا گرفته بود و ایشان در داغ فراق حضرت زهرا سلام الله علیها می سوختند ، اکنون تمامی غم های عالم در دل نازنینی جمع گشته و آن قلب نازنین را به دریای داغی تبدیل کرده است.

امام زمان ما نه تنها داغ فاطمیه را در سینه دارند ، بلکه داغ مصائبی که در روز عاشورا بر خاندان نبوت وارد گشت ، شب و روز این عزیز را اندوهناک و سرشار از اشک و غم و ماتم کرده است.

هر صبح و شام غرق عزا گریه می کنی

با روضه های کرب و بلا گریه می کنی

در حیرتم که با دلت این غم چه می کند

شب های داغ و شیون و ماتم چه می کند

اندوه شهادت یکایک ائمه علیهم السلام ، و حتی اندوه بدی ها و گناهان یکایک ما این قلب نازنین را شعله ور ساخته.

کیست که با کاری حتی کوچک لبخندی را بر لبان مبارک حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف فرود آورد؟

این کار کوچک حتی می تواند یک گفت و گوی ساده و صمیمی با حضرت باشد.

اینهمه داغ ، کمر انسان را خم کرده و سلامتی را از او می گیرد.

به یاد بیاوریم و باور کنیم که : خداوند تبارک و تعالی فقط قول طول عمر زیاد را به حضرت داده است ، نه سلامتی ایشان را!

پس در قنوت نماز ، در موقع خوشی و ناخوشی به یاد حضرت باشیم و برای سلامتی و گشایش امرشان دعا کنیم.

**"مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی می فرمودند:**

**یک روز در ایام تحصیل در نجف اشرف، بعد از نماز پشت سر آیت الله مدنی، دیدم که ایشان شدیدا گریه می­کردند و از شدت گریه شانه هاشان تکان می­خورد...**

**رفتم پیش ایشان و پرسیدم: چه اتفاقی افتاده؟**

**ایشان فرمودند: "یک لحظه امام زمان(**عجل الله تعالی فرجه الشریف**) را دیدم که به پشت سر من اشاره کردند و فرمودند:**

**آقای مدنی نگاه کن! شیعیان من بعد از نماز سریع می­روند دنبال کار خودشان و هیچ کدامشان برای فرج من دعا نمی­کنند... انگار نه انگار امام زمانشان غائب است...**

**و من از گلایه ی آقا به گریه افتاده ام..."**

امام زمان خویش را از یاد نبریم و در وقت بی نیازی و نیازمندی از ایشان طلب کمک و راهنمایی کنیم و از وجود نازنین ایشان بهره ببریم. و فراموش نکنیم که یکی از نام های ایشان "الغوث" (فریادرس) است.

علامه امینی (صاحب الغدیر) می فرمایند:

خواستم ببینم حضرت زهرا سلام الله علیها در آن لحظه بین در و دیوار چه کسی را خطاب کرده اند و از چه کسی استمداد نموده اند ؛ پس از تحقیق ، فهمیدم ایشان فرمودند :

یا مـــــــــهدی

به یاد داشته باشیم که تاریخ دوباره تکرار می شود ، پس هم اکنون از حضرت صدّیقه ی کبری سلام الله علیها الگو بگیریم و با جان و سرمایه ی خویش از امام زمان مان دفاع کنیم.

اینکه در زیارت آل یاسین می خوانیم :

"و نصرتی معدّة لکم"

به این معنی نیست که که اگر فردا ظهور باشد ، من کاری نکرده باشم و تجهیزاتم را آماده نکرده باشم بلکه باید هر لحظه آماده باشم تا اگر فردا ظهور باشد ، منِ منتظِر ، آماده به سوی حضرت بروم.

سخن آخر:

یا این دل شکسته ی ما را صبور کن

یا لااقل به خاطر زینب ظهور کن

باشد که از یاران و مدافعان حضرتش باشیم...

اللهم عجل لولیک الفرج